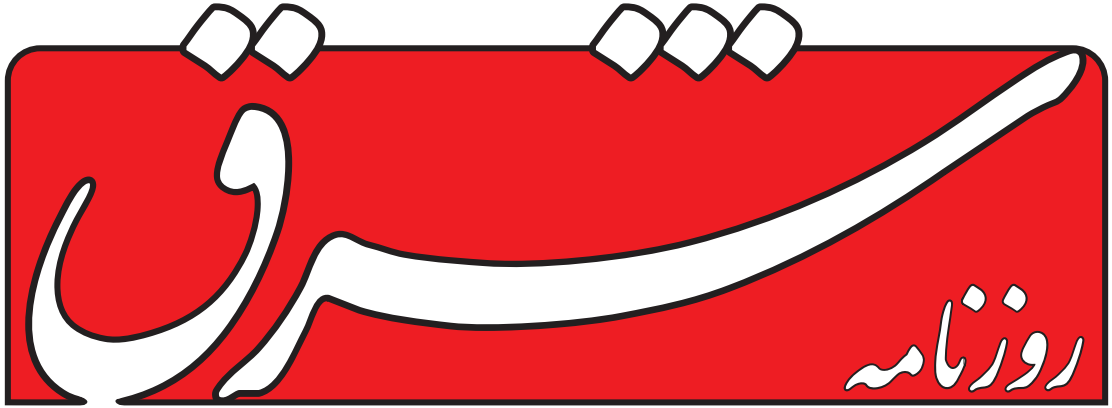




احمد غلامی

به موازات رشد و نهادهینه‌شدن سرمایه‌داری، روابط انسانی نیز به همین نسبت تحت‌تأثیر این نظام تغییر شکل یافته است. به‌طور قاطع می‌توان گفت جامعه انسانی بیش از هر چیز بازتولید عناصر سرمایه‌داری، انباشت، تولید، توزیع و از همه مهم‌تر ارزش مبادله است. آدمی هرگز این‌چنین در روابط خود با هم‌نوعش درگیر داد و ستد نبوده است، اگرچه داد و ستد از ابتدای زندگی در جامعه، کم یا زیاد، حاضر و ناظر بوده و هرگز غایب نبوده است. اگر درصدد گذشته‌ستایی نباشیم باید اعتراف کرد که بی‌تردید با رشد سرمایه‌داری شکل‌های روابط انسانی نیز استحاله پیدا کرده است. در گذشته به دلیل روابط پیشاسرمایه‌داری هنوز بارقه‌هایی از روابط انسانی بر زندگی مردم حاکم بود و با رشد سرمایه‌داری این روابط انسانی کمرنگ و حتی بی‌رنگ و محو شد. اینک چیزی به نام «همسایه» مقام خود را از دست داده و محله‌ها و جمع‌های اجتماعی محو شده‌اند و به‌ندرت از همسایه صحبت می‌شود و دیگر هم‌محله از ذهن و زبان جامعه کنونی پاک شده است. جای خالی این موارد در زندگی بشر، از تغییرات سطحی و مثال‌های دم‌دستی برای جامعه‌شناسان است. شاید در سال‌های نه‌چندان دور برای احیای این روابط انسانی تلاش‌هایی صورت گرفته باشد که البته هیچ‌کدام قرین به موفقیت نبوده است. بدیهی است با تغییر رویکردهای اقتصادی و به معنای دقیق‌تر «اقتصاد سیاسی»، به دشواری می‌توان از عارضه‌های سرمایه‌داری در روابط انسانی اجتناب کرد یا آن را اصلاح کرد. طرفه آنکه آدم امروز چنان به سرمایه‌داری وابسته است و قوانین آن را باور دارد که کمتر کسی جرئت دارد از ایده‌های «جامعه‌گرا» همچون سوسیالیسم سخن بگوید. حیرت‌انگیز است که انسان امروزی با اینکه می‌داند نظام سرمایه‌داری او را به اسارت درآورده و به بردگی کشانده است، باز از این نظام همچون آیینی مقدس دفاع می‌کند، خشونت ارباب‌ها را به جان می‌خرد و برای خدمتگزاری، هم‌نوعان یا هم‌طبقه خود را لگدمال می‌کند. سرمایه‌داری گذشته و حال را قربانی پیشرفت می‌کند؛ پیشرفتی که تجلی آن در آینده است؛ آینده‌ای نامعلوم و موهوم، آینده‌ای که اگر محقق نشود و به شکست بینجامد، علت آن بی‌کفایتی خود ما است. رسانه‌ها مملو از انتقاداتی است علیه دولتمردان و مدیران و همه بحران‌های اقتصادی را از چشم آنان می‌بیند و غیر از این هم نیست، اما به‌ندرت کسی از شیوه و استراتژی اقتصادی که این فجایع را به بار آورده و ریشه در رویکرد اقتصادی بازار آزاد دارد حرف و حدیثی به میان می‌آورد. چندین دهه است که اقتصاددانان بازار آزاد در هر حزب و گروهی، رویکردی یکسان به اقتصاد دارند و ازاین‌رو است که کمتر جریان‌های سیاسی و احزاب دربار استراتژی‌های اقتصادی سخنی انتقادی به زبان می‌آورند؛ با اینکه از قضا همین افرادند که آن فجایع را به بار آورده‌اند اما باور دارند اگر افرادی از حزب و جناح ما روی کار آمده بود کار بهتر پیش می‌رفت. با اینکه تفکر اقتصادی همه جناح‌های سیاسی با شکست رویه‌رو شده، باز کمتر کسی است که در اصل ماجرا یعنی بازار آزاد و سرمایه‌داری شک کند و در عین حال برخی از این کارشناسان اقتصادی برای منحرف‌ساختن افراد به تحریف تاریخ روی آورده‌اند. گاه کودتای ۲۸ مرداد را انکار می‌کنند و گاه چپ‌های مارکسیست، روشنفکران و روشنفکران دینی را مقصران وضع موجود می‌دانند و حیرت‌انگیز است که کسی اشاره نمی‌کند که چهار دهه است اقتصاد این مملکت با ایده‌های اقتصادی شما به اینجا رسیده است. طرفه آنکه اینک اغلب اقتصاددانان تلنویبال که سرمایه‌ای اندوخته‌اند، ایوزبسیون شده و به ولی‌نعمتان خود پشت کرده‌اند و این در نظام سرمایه‌داری امر تازه‌ای نیست و درواقع منطق ارزش مبادله است که رفتار آدمی را تعیین می‌بخشد. ما اینک در مقام سرمایه‌دار یا کارگر، رئیس یا کارمند، ارباب یا بنده، وضعیت بازنگری در جایگاه خود هستیم. ارزش مبادله حکم می‌کند گاه ارزش بفروشی و گاه گران، اما همواره آماده معامله و مبادله باشی. ازاین‌رو کشوری که در قوانین بازار آزاد ورشکسته می‌شود، جامعه انسانی آن با هراس به سمت خودفروشی و کم‌فروشی می‌رود تا خود را از ورشکستگی نجات بدهد، مگر آنکه دست نامرئی بازار دوباره بتواند عرضه و تقاضا و ارزش مبادله را به جایگاه خودش بازگرداند!

شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵
۲۴ صفر ۱۴۴۸
۲۸ آگوست ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۴۶
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



بدرقه ابوالقاسم قاسم‌زاده
روزنامه‌نگار قدیمی با
حضور شخصیت‌های
سیاسی و فرهنگی

در «شرق» امروز می‌خوانید: Swvl؛ استارت‌آپی که از بحران ترافیک قاهره متولد شد • چشم‌انداز مبهم صلح در غزه • ضرغامی: تغییر ریل، عین بصیرت است؛ فرصت‌سوزی نکنیم • روز خبرنگار؛ روز اعتراف: عباس مدحجی

گزارش «شرق» از تأثیرات جنگ و بحران بر سلامت روان خبرنگاران

پرونده

راویان زخمی



روایت «شرق» از امضای توافق نامه دفاع مشترک عربستان، ترکیه و پاکستان

«پیمان مکه»، کد آغاز آرایش جدید امنیتی در منطقه؟

ائتلاف مکه در سایه جنگ

یادداشت

خط مقدم نابرابر روایت‌ها؛

مصائب دفاع از حریم افکار عمومی



امیرنیک‌رویان

روزنامه‌نگار

با وجود این، جنگ رسانه‌ای اخیر برای ایران، همان‌گونه که در عرصه تجهیزات و امکانات نابرابر بود، در عرصه ارتباطات نیز در شرایطی کاملاً نابرابر جریان یافت. در این مایه، خبرنگار ایرانی باید میان سیل خبرهای متناقض، منابع محدود، فشار زمانی و اضطراب عمومی، حقیقت را جست‌وجو می‌کرد. او صرفاً با یک رسانه رقیب رویه‌رو نبود، بلکه در برابر مجموعه‌ای گسترده و مجهز از رسانه‌های فرامرزی، شبکه‌های جهانی و پلتفرم‌ها قرار داشت که از بودجه‌های کلان، فناوری‌های پیشرفته، تحریریه‌های چندزبانه، تصاویر ماهواره‌ای و امکان توزیع جهانی برخوردار بودند. در سوی دیگر، خبرنگاران و رسانه‌های داخلی باید در میان انبوه محدودیت‌ها فعالیت می‌کردند. افزون بر فشارهای روانی و کاری، خبرنگاران در کشاکش جنگ و بحران ناچارند در شهر و تحریریه‌ها باقی بمانند؛ حضوری که در شرایط حملات نظامی، هشدارهای امنیتی و اضطراب عمومی، با

یادداشت

باید تسلیم زور شد یا نه؟



مهدداد احمدی‌شیخانی

آن‌طور که به یاد دارم حدود ۱۵ سال پیش با کمی بیشتر یا کمتر بود که خبری تلخ در رسانه‌های آن موقع منتشر شد دال بر اینکه در یکی از معابر تهران در ساعتی از شب، دخترخانمی قصد گذر از پل عابر پیاده‌ای که بر اتوبان کشیده شده بود داشت. هنگامی که آن دختر به بالای پله‌های پل می‌رسد، مردی به قصد تعرض به او هجوم آورده و دختر بخت‌برگشته مقاومت می‌کند. کار که به اینجا می‌رسد و متعرض با مقاومت سرسختانه دختر مواجه می‌شود و به قصد خود نمی‌رسد. با کاردی که در اختیار داشت ضرباتی مهلک به دختر وارد کرده و او را می‌کشد. روزهای بعد قاتل شناسایی و ماجراهای قضائی و فرجام، به سیاق معمول انجام می‌شود که از موضوع این یادداشت بیرون است. بعد از آن ماجرای تلخ و مرگ آن دختر جوان، موضوعی از ذهن من گذشت که آن را به‌صورت پرسش با افراد مختلف از نحله‌های فکری متفاوت طرح کردم تا ببینم صاحبان اندیشه از چه منظری به این موضوع می‌نگرند و البته برای آنکه بتوانم به کنه ذهن پرسش‌شونده برسم، سؤال را به شکل یک پاسخ طرح می‌کردم به این‌گونه که پس از نقل ماجرای تعرض و مقاومت دختر جوان و در نهایت مرگ دلخراش او می‌گفتم «به گمان من زنده‌ماندن ارزشش فزاتر از مقاومتی است که معلوم است حاصلی ندارد و در چنین وضعیتی، راه بهتر تسلیم‌شدن است. چون این درست که تعرض رخ می‌دهد، ولی حداقل این است که جان از دست نمی‌رود» و در ادامه به آن بیت مشهور مولانا اشاره می‌کردم که «در کف شیر تر خون‌خواره‌ای / غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای» و البته به‌طور مطلق، هیچ‌کدام از افرادی که تقریباً تک‌تک آنان از صاحبان نام و اندیشه در کشورمان هستند (حالا به فراخور، هریک در شاخه و حوزه‌ای) با این نظر من که بهتر بود آن دختر بی‌گناه به تعرض رضایت می‌داد و در عوض از این مهلکه جان به در می‌برد موافق نبودند و هریک برای این مخالفت، دلایلی می‌آوردند که برای نمونه گفته می‌شد، رنج حاصل از تعرض چنان سخت است که تمامی عمر با شخص می‌ماند و احساس تحقیر حاصل از آن، به این سادگی زوددنی نیست و طبیعی‌ترین رفتار انسانی که مورد تعرض قرار گرفته، مقاومت تا سرحد ممکن است و این مقاومت کاملاً عادی است. در همان روزهای ابتدایی جنگ یادداشتی با عنوان «از شهریور ۱۳۲۰ تا اسفند ۱۴۰۴» در یکی از مطبوعات منتشر کرده و در آن اشاره کردم که آنچه از شکست ایران در جنگ با روسیه آغاز شد، یک حس تحقیر ملی بود

نگرانی دائمی برای جان آنان و خانواده‌هایشان همراه است. اما این نبرد نابرابر فقط در زیرساخت‌های فنی و خطرات میدانی خلاصه نمی‌شود. در جنگ اخیر، فشار اقتصادی ناشی از شرایط جنگی و بی‌ثباتی، درآمد بسیاری از رسانه‌های داخلی را به‌شدت محدود کرد. بخش بزرگی از رسانه‌های خصوصی و غیردولتی ایران، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال، به درآمد آگهی‌ها وابسته‌اند. هنگامی که کسب‌وکارها در سایه نااطمینانی، بودجه‌های تبلیغاتی خود را کاهش می‌دهند، فشار آن مستقیم به تحریریه منتقل می‌شود. گزارش روزنامه «شرق» در فروردین امسال از تعدیل بیش از صد نیروی یکی از رسانه‌های خصوصی، تعطیلی برخی رسانه‌ها و پرداخت‌نشدن حقوق بسیاری از خبرنگاران خبر می‌داد؛ نشانه‌ای روشن از اینکه رسانه‌های داخلی بیش از ورود به نبرد روایت‌ها، از درون فرسوده شده بودند. پیر بردیو، جامعه‌شناس نامدار، هشدار می‌داد که استقلال روزنامه‌نگاری تنها با فقدان دستور و سانسور از بالا تضمین نمی‌شود، بلکه اقتصاد نیز می‌تواند رسانه را از درون تهی و محدود کند. خبرنگاری که نگران پرداخت اجاره‌خانه، عقب‌افتادگی دستمزد یا تعطیلی قریب‌الوقوع رسانه خود است، حتی بدون دریافت هیچ دستور مستقیمی، بخش بزرگی از استقلال و جسارت حرفه‌ای خود را از دست می‌دهد. ازاین‌رو امنیت اقتصادی خبرنگار یک مطالبه پیش‌یا‌فتاده صنفی نیست، بلکه شرط بنیادین امنیت روانی و اطلاعاتی یک جامعه است.

که در شهریور ۲۰ به عمیق‌ترین حد خود رسید و برای همین است که می‌توان فهمید چرا انقلاب ۵۷، مقاومت در مقابل عراق و حالا مقاومت در مقابل تجاوز آمریکا-اسرائیل شکل گرفته. این یادداشت عکس‌العمل‌هایی در داخل و خارج کشور داشت، طوری که برخی از همان منظر که در مقدمه اشاره شد «عقلانی بود که آن دختر بی‌گناه به تعرض تن می‌داد ولی زنده می‌ماند»، استدلال می‌کردند که تسلیم رضاشاه در مقابل پنج هزار سرباز هندی نیز عقلانی بود و بهتر از مقاومت. هرچند این روزها فیصلی از امیرعباس هویدا که معروف‌ترین کارکنزار دوره پهلوی دوم بود، در فضای مجازی دست به دست می‌شود و از احساس تحقیر شهریور ۲۰ می‌گوید و اینکه دیگر نباید آن ماجرا تکرار شود و به عبارتی، حتی این حس حقارت، با پایان بر واران پهلوی اول سنگینی می‌کرد. شاید لازم است توجه داشته باشیم که وقتی جامعه ایرانی، با وجود اینکه در قرارداد ترک‌مانجای، ایران نزدیک به نیمی از سرزمین‌هایی را که در جنگ از دست داده بود، توانست در مذاکره پس بگیرد، آن قرارداد را یک تکیه ابدی می‌داند یا اینکه، تحقیر شهریور ۲۰ آن قدر ادامه یافت تا به بهمن ۵۷ منجر شد، بیرون آمدن از حقارت را در وجود خود می‌پروراند، با وجود این نمونه‌ای می‌آورم که مشابهش را بسیار دیدم و از باب مشت نمونه خروار، اشاره به آن بد نیست. دو شب پیش گفت‌وگویی در بی‌بی‌سی فارسی بین دوست قدیمی‌ام جناب علیرضا حقیقی و خاتم ملیحه محمدی بخش شد. آقای حقیقی استدلال می‌کرد که «بناباید بر حفظ اداره تنگ هرمز بافشاری کرد چون این خلاف حقوق بین‌الملل است و وقتی خاتم محمدی معترض شد که مگر حمله به ایران مطابق حقوق بین‌الملل بوده؟ پاسخ شنید که آمریکا زور دارد» و این جواب یعنی رعایت حقوق بین‌الملل، برای قدرتمندان نیست، بلکه این ضعفا هستند که باید طبق قانون عمل کنند.

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

مشروطه؛ آغاز تغییر توازن قدرت در ایران



افشین حبیب‌زاده

۱۲۰ سال از صدور فرمان مشروطیت می‌گذرد؛ رویدادی که درباره آن شاید بیش از هر حادثه دیگری در تاریخ معاصر ایران نوشته شده است. با این حال، پس از گذشت این همه سال، هنوز این پرسش اهمیت خود را حفظ کرده است که مهم‌ترین دستاورد مشروطه چه بود؟ آیا باید آن را در تأسیس مجلس، تدوین قانون اساسی، ایجاد نهادهای جدید یا محدودشدن اقتدار سلطنت جست‌وجو کرد؟ با اینکه اهمیت مشروطه در سطحی عمیق‌تر قرار دارد؟ اگر مشروطه را از منظر علوم سیاسی بازخوانی کنیم، شاید بتوان گفت مسئله اصلی آن بیش از هر چیز، تغییر در منطق قدرت در ایران بود. مشروطه نخستین تلاش جدی برای آن بود که قدرت سیاسی از وضعیت تمرکز و شخص‌محوری خارج شود و در چارچوب قانون، نهاد و مسئولیت عمومی قرار گیرد.

ادامه در صفحه ۹

زنده‌یاد مرحوم

استاد ابوالقاسم قاسم‌زاده

پس از عمری قلم‌زدن در راه صلح، آزادی، آبادانی و سربلندی ایران عزیز، دعوت حق را لبیک و دارفانی را وداع گفت. آن بزرگوار در حالی چشم از جهان فروبست که تا واپسین روزهای زندگی، عمیقاً دل‌نگران این آب و خاک بود و از غم دوستان و یاران شهید و فقدان بزرگان انقلاب، از سویدای جان می‌سوخت. از کلیه دوستان و آشنایان دعوت می‌شود با حضور خود، موجب تسلی خاطر بازماندگان شوند.

مجلس ترحیم: روز یکشنبه، ۱۸ مرداد ۱۴۰۵

ساعت ۱۷ الی ۱۹ در کانون رسالت، واقع در مسجدالنبی(ص) ستارخان، دریان نو، تقاطع یکم دریان نو و نزجان شمالی